

گفت و گویا ۲ عکاس ورزشی شناخته شده درباره تلخی ها و شیرینی های شغل هیجان انگیزشان

سمفونی چلیک چلیک ها کنار زمین

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه • ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸
اول رمضان ۱۴۴۰ • ۷ می ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۹۲

۱۳۱۵



عکس از یوزافعلی امان...

گفت و گویا «پریسا پور طاهریان» یکی از موفق ترین خانم ها در زمینه عکاسی ورزشی

شروع عکاسی از پشت بام

روز شرایط خیلی متفاوتی داشت، شاید بتوانم بگویم ترکیبی از ترس و هیجان در وجودم حس می کردم. ترسم به خاطر ارتفاع و هیجانم به واسطه اولین عکاسی ام از یک مسابقه فوتبال لیگ برتر بود. در هر صورت آن روز من یک نیمه توانستم عکاسی کنم و البته می توانم بگویم آن ترس و هیجان باعث شد تمرکز لازم را در کارم نداشته باشم ولی به هر حال آن روز نقطه عطف و ماندگاری در کارنامه عکاسی من شد.»



پریسا پور طاهریان عکاس ورزشی

اطلاعات ورزشی داشتن خیلی مهم است

داشتن اطلاعات کافی یکی از شاخصه های مهمی است که در هر شغلی می تواند بسیار تاثیر گذار باشد، پور طاهریان درباره تجربه شخصی اش در این زمینه می گوید: «من در ورزش هایی مثل فوتبال که درباره شان اطلاعات کافی دارم، به راحتی عکاسی می کنم چون در جریان بازی، تقریباً می توانم حدس بزنم چه اتفاقی قرار است بیفتد. اما در خصوص یک سری ورزش ها این اتفاق نمی افتد. مثلاً خود من یک بار رفته بودم برای عکاسی از ورزش راگبی. می توانم بگویم جزو سخت ترین ورزش هایی بود که از آن عکاسی کرده بودم چون واقعاً نمی دانستم چه اتفاقی دارد می افتد و این کار من را خیلی سخت می کرد. البته الان سعی می کنم اگر قرار است بروم و از ورزشی عکاسی کنم که درباره آن اطلاعات کمی دارم قبلاً حداقل چند ویدئو از آن ورزش ببینم یا چیزهایی درباره اش بخوانم تا بتوانم بیشتر با اتفاقاتی که قرار است بیفتد آشنا باشم.»

تجربه خاص جام ملت ها

یکی از مهم ترین زمینه های کاری یک عکاس ورزشی حضور در رقابت های بین المللی است. پور طاهریان که در جام ملت های ۲۰۱۹ امارات حضور داشته و رقابت های بین المللی دیگری را هم عکاسی کرده، درباره تجربیاتش از این تورنمنت ها می گوید: «من با توجه به این که یک سال دبیر عکس فدراسیون والیبال بودم بازی ها و تورنمنت های مختلفی را با فشار های کاری متفاوت تجربه کردم، یک بازی تیم ملی فوتبال در ترکیه و چند تورنمنت با آکادمی کیا رفته بودم اما می توانم بگویم تجربه به نظر ملت ها واقعا تجربه متفاوتی بود. هم از لحاظ این که به نظر خودم پیشرفت کرده بودم و هم این که تورنمنت مهمی بود که تیم ملی ما در آن حضور داشت. مهم تر از همه حس راحتی بود که کنار زمین داشتم. استرس خاصی برای ورود نداشتم. زن بودنم خیلی به چشم نمی آمد و حساسیت خاصی روی من نبود. در هر صورت عکاسی در تورنمنت های فشرده به ویژه وقتی از سوی فدراسیون یا رسانه ای برویم سختی های خودش را دارد. مثلاً این که از چند ساعت قبل و بعد از بازی درگیر هستیم. عکس فرستادن، جدا کردن شان و اصلاح آن ها باید با سرعت انجام شود.»

آرزوی عکاسی در اولدتر افورد

پور طاهریان درباره آرزوهای خود در مسیر عکاسی ورزشی این طور پاسخ می دهد: «امیدوارم که ما خانم ها بتوانیم در ورزشگاه به راحتی عکاسی کنیم، روزی بپاید که عکاسی برای ما به صورت یک آرزو در نیاید و بتوانیم بدون دغدغه کارمان را انجام دهیم. در ضمن راستش من از ۱۰-۱۲ سالگی طرفدار تیم منچستر بوده ام و همیشه آرزویم این بوده که نوبت ورزشگاه اولدتر افورد عکاسی کنم. بر همین اساس یکی از اهدافم این است که در این باشگاه بتوانم عکاسی کنم و مسابقات این تیم را پوشش دهم. به هر حال این آرزوی بزرگی است که برای خودم مشخص کرده ام و دوست دارم به آن برسم.»

متولد ۱۳۷۰ شهر سمنان و در دوره دبیرستان ریاضی فیزیک خوانده است. یک بار دانشگاه رشته مهندسی کامپیوتر قبول شده اما به دلیل علاقه ای که به هنر داشته، آن را رها کرده است. دوباره کنکور داده و این بار دانشگاه تهران، طراحی صنعتی قبول شده و در همین رشته مدرک کارشناسی گرفته است. خودش می گوید از ۱۷-۱۸ سالگی به عکاسی علاقه مند بوده. مدتی عکاسی استودیویی، تئاترو طبیعت کرده اما در هیچ کدام آن

گم شده واقعی اش را پیدا نکرده است تا این که با سایت «فتو امان» آشنا شده و برای این سایت کارهای گرافیکی انجام داده است. به تدریج به خاطر سر و کاری که با عکس های ورزشی و البته علاقه قبلی که به فوتبال داشته، به عکاسی ورزشی علاقه مند شده است. کارش را با عکاسی والیبال بانوان آغاز کرده و امروز به یکی از خانم های موفق در عرصه عکاسی ورزشی تبدیل شده است.

اتفاقی که نقطه عطف شد

ورزش فوتبال احتمالا یکی از سخت ترین رشته ها برای عکاسی ورزشی است. هم زمین بزرگ است و در نتیجه فاصله عکاسان از صحنه دور است. حالا فکر کنید برای عکاسی شرایط دشوار تر از این هم باشد و یک عکاس برای عکاسی از یک بازی به جای استقرار پشت دروازه ها مجبور باشد از فاصله ای دور و از روی پشت بام های اطراف ورزشگاه این کار را انجام دهد. «پریسا پور طاهریان» روزی را که از پشت بام یکی از خانه های اطراف ورزشگاه قائمشهر به عکاسی پرداخته این گونه روایت می کند: «من همیشه دوست داشتم بتوانم از مسابقات فوتبال عکاسی کنم اما به علت مشکلاتی که بر سر راه ورود خانم ها به ورزشگاه بود این اتفاق میسر نبود. راستش من قبلاً عکس های ورزشگاه شهید وطنی قائمشهر را دیده بودم که تعدادی از تماشاگران از روی پشت بام خانه های اطراف بازی ها را تماشا می کنند. بنابراین همین شد که با خودم فکر کردم شاید از همین مکان بتوانم برای عکاسی استفاده کنم. با صعود تیم نساجی قائمشهر به لیگ برتر و آغاز لیگ تصمیم گرفتم این کار را عملی کنم. من آن روز سه ساعت قبل از بازی آن جا حاضر بودم. تمام مدت دنبال این بودم که یکی از خانه ها را هماهنگ کنم تا از روی پشت بامش بتوانم عکاسی کنم اما راستش تا آغاز نیمه دوم امکان پذیر نشد.

تا این که بالاخره اهالی یکی از این خانه ها لطف کردند و به من اجازه دادند روی پشت بام شان بروم. آن



محمد علی محمد پور | روزنامه نگار

یک شغل

«عکاسی، هنر ثبت لحظه هاست». این جمله کوتاه را می توان تعریفی فشرده و مختصر از کار عکاسی دانست. کاری که امروزه نه تنها یک هنر و سرگرمی که یک شغل محسوب می شود. امروزه در بین همه رشته های گوناگون عکاسی، «عکاسی ورزشی» یکی از دشوار ترین و حساس ترین انواع عکاسی است. در عکاسی ورزشی، یک عکاس خیلی وقت ها باید از فاصله دور، لحظاتی را ثبت کند که به سرعت اتفاق می افتند، فقط یک بار رخ می دهند و سرشار از هیجان و تحرک هستند. فکر کنید لحظاتی مثل «لحظه با دست گل زن مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶»، «لحظه فریاد پیروزی محمد علی کلی ۲۳ ساله بر جیمز مین افتاده سانی لیستون، قهرمان بوکس جهان»، «لحظه ضربه سر زیدن به سینه ماترا تزی در فینال جام جهانی ۲۰۰۶» و... به عنوان تاریخی ترین لحظات ورزش جهان، مگر چند بار قرار است اتفاق بیفتند و کسی که به موقع نتواند ثبت شان کند چه فرصتی برای جبران خواهد داشت؟ با این توضیحات به سراغ پرونده امروز می رویم که به شغل «عکاسی ورزشی» اختصاص دارد. برای نوشتن این پرونده با «ابوالفضل امان...» عکاس با سابقه ورزش کشورمان و همچنین «پریسا پور طاهریان» به عنوان یکی از موفق ترین عکاسان ورزشی خانم، گفت و گویی انجام دادیم تا اطلاعات بیشتری درباره شغل شان و زیر و بم هایش بگیریم.

گفت و گویا «ابوالفضل امان...» یکی از شناخته شده ترین عکاسان ورزشی ایران

سفر به ۴۰ کشور با تجهیزات ۱۰۰ میلیونی

عکس ها اصولاً با کیفیت تر شدند و در کنارش قیمت عکس ها بالا رفت در حالی که در ایران موضوع کاملاً برعکس اتفاق افتاد.»

آموزش آکادمیک نداریم

در همه رشته های هنری یکی از موارد مهم برای تربیت نیروهای حرفه ای آموزش آکادمیک و به روز است. از

آقای امان... درباره وضعیت آموزش در عکاسی ورزشی می پرسیم که می گوید: «یک وقت هایی کارگاه های کوتاه برگزار می شود اما به آن معنا آموزش آکادمیک نداریم. مثلاً خود من دارم یک کتاب در حوزه عکاسی ورزشی می نویسم که می تواند مرجع مقدماتی برای این کار بشود. من دوست دارم تجربیاتم را منتقل کنم. الان عده زیادی هستند که هنوز چیزهای زیادی نمی دانند و دارند غلط عکاسی می کنند و جای هم نیست که به آن ها این کار اصولی بدهد. دلیل تفاوت سطحی که بین عکاسی ورزشی ما با کشورهای پیشرفته وجود دارد هم چند عامل است. اول این که ما به اندازه کافی لوازم قوی در اختیار نداریم. نکته دیگر این که سطح کیفی امکانات سخت افزاری، شکل و شمایل ورزشگاه ها، حتی لباس ورزشکاران و... در کشورهای پیشرفته واقعا خیلی شرایطی بهتری دارند. ضمن این که عکس های مادر ایران عمدتاً فقط استفاده داخلی دارند اما کشورهایی مانند آلمان، آمریکا، اسپانیا و... چون ورزشکاران بین المللی بیشتری دارند و رقابت های معتبری در کشورشان برگزار می کنند طبیعتاً در تمام دنیا از طرف مجلات و خبرگزاری های مختلف عکس هایشان استفاده و این باعث می شود درآمدزایی و دیده شدن شان بیشتر باشد.»

با استعدادها وارد کار شوند

امان... تاکنون چند جام جهانی، جام ملت ها و المپیک را تجربه کرده برای کار عکاسی اش حدود ۴۰-۵۰ کشور را دیده است. وقتی می خواهم از آرزوهایش برای خودش و عکاسی ورزشی کشور بگویم، این گونه پاسخ می دهد: «دوست دارم این کار پیشرفت حرفه ای کند و سازمان هایی که عکس استفاده می کنند برای عکس ورزشی ارزش بیشتری قائل شوند چون این عکس ها سند و تاریخ به حساب می آیند. همین اژانس عکس «فتو امان» که من چند سال است دارم با درآمد شخصی ام آن را پیش می برم و برایش وقت می گذارم، می تواند بسیاری عکس ها را از نابودی نجات دهد. البته ارزش وجودی فتو امان شاید الان مشخص نشود اما در سال های آینده این پایگاه می تواند آرزو خوبی برای عکس هایی باشد که به این صورت و به شکل مجموعه شاید هیچ جای دیگری نتوان پیدایشان کرد.»

قاب های ماندگار

در کارنامه هر عکاسی، قاب های ماندگاری وجود دارد که آن شخص می تواند تا سال ها به ثبت آن لحظات افتخار کند. از «امان...» می پرسیم کدام عکس هایش را خودش بیشتر از همه دوست دارد، می گوید: «مثلاً عکسی که از لحظه لگد زدن علی کریمی به ساک ورزشی در جام ۲۰۰۶ گرفته ام خیلی ماندگار بوده و در همان جام هم جزو ۱۰ عکس ماندگار انتخاب شد. تنها کسی هم که توانست آن لحظه را ثبت کند من بودم. یکی از عکس های به یادماندنی دیگر آن عکسی است که فرهاد مجیدی در جام باشگاه ها مقابل تیم برسیو لیس در ورزشگاه آزادی از بازی اخراج شد و عدد ۴ را نشان داد. همچنین آن مشت معروف کیروش مقابل تیم کره جنوبی که بسیار معروف شد.»



می گوید



همراه خودش ببرد.

ابوالفضل امان... متولد ۱۳۵۵ تهران است. به دلیل این که پدرش کار عکاسی می کرده، از همان کودکی تجهیزات عکاسی در اختیارش بوده است که این موضوع باعث شده او و برادرش «داود» خیلی زود دست به دوربین شوند. به گفته خودش، عکاسی ورزشی را از نوجوانی در باشگاه های ورزشی شروع کرده است. او در آن سال ها به وسیله دوربین آنالوگ از ورزشکاران حاضر در باشگاه ها عکس می گرفته و با چاپ و فروش آن ها برای خودش درآمدی کسب می کرده است. امان... به طور حرفه ای عکاسی ورزشی را از سال ۷۸ در لیگ آزادگان آغاز کرده است و از دیدارهای مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ که سرمربی وقت تیم ملی، میرسلاو بلازویچ هدایت تیم ملی فوتبال ایران را بر عهده داشت به عنوان اولین مسابقات مهمی که عکاسی کرده نام می برد.

ریزه کاری ها را باید تجربه کرد

استعداد، اطلاعات ورزشی، عشق به کار، تمرکز و عکس العمل بالا مهم ترین مواردی هستند که می توان برای موفقیت در عکاسی ورزشی به آن اشاره کرد. امان... درباره عوامل موفقیت در عکاسی ورزشی می گوید: «تجربه در کار ما خیلی مهم است. من خودم بعد از این که به چند تورنمنت آسیایی و بین المللی رفته بودم و ۱۰ سال از کار حرفه ای ام می گذشت، در جام جهانی ۲۰۱۰ تازه احساس کردم کارم را خوب بلد. نمی گویم قبلاًش نمی توانستم عکاسی کنم چون به هر حال عکاسی را همه انجام می دهند، موضوع تسلط در کار است که به تدریج حاصل می شود اما فارغ از بحث تجربه، به نظر من کسی که وارد این حوزه می شود باید عاشق کارش باشد، چون فشار کار بسیار بالاست و یک عکاس، لحظه ای را نباید از دست بدهد. ضمن این که یک مسئله دیگر را هم نباید فراموش کنیم و آن هم داشتن قوای بدنی است چون در تورنمنت هایی مانند جام جهانی، جام ملت های آسیا یا المپیک، عکاس مدام باید از مکانی به مکان دیگر جابه جا شود و تجهیزات اتش را که حداقل ۱۵ تا ۲۰ کیلو وزن دارد همراه خودش ببرد.»

اگر حساب کتاب کنیم، نمی صرف د!

لوازم عکاسی با توجه به وارداتی بودن و وضعیت این روزهای نرخ ارز خیلی گران قیمت هستند. شاید تنها ابزار عکاسی که امروزه می توان ایرانی اش را تهیه کرد کیف دوربین است که تازه آن هم کیفیت مطلوبی ندارد. امان... درباره هزینه ها و درآمدی که یک عکاس ورزشی در ایران دارد، این گونه توضیح می دهد: «با توجه به سرمایه ای که شما باید به کار بگیرید اگر از لحاظ اقتصادی حساب کنیم، عکاس ورزشی بودن نمی صرف د. چون شما نیاز به تجهیزات قوی دارید و اگر نخواهید لوازم خوبی تهیه کنید، نمی توانید کار با کیفیت انجام دهید. یک نفر برای تهیه تجهیزات مناسب باید چیزی حدود ۱۰۰ میلیون خرج کند بنابراین اگر ماهی پنج میلیون هم درآمد کسب کنید این مقدار نسبت به لوازمش چیزی به حساب نمی آید. از آن طرف این روزها بیشتر روزنامه ها و خبرگزاری ها مشکلات مالی دارند و حقوق خوبی نمی توانند به عکاس پرداخت کنند. تا وقتی هم که قانون کپی رایت رعایت نشود در همه رشته های هنری این مشکل وجود دارد. به هر حال عکس هم یک کالا مثل همه کالاهای دیگر است اما چون شکل فیزیکی ندارد و کالای دیجیتال است خیلی ها آن را به حساب نمی آورند. شما ببینید در کل دنیا از وقتی دوربین های دیجیتال آمدند،